

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۵

(ص ۷۱-۸۴)

توصیف گویش تاتی رامندی

راحله ایزدی‌فر*

چکیده

تاتی رامندی به گروهی از گویش‌های ایرانی گفته می‌شود که در منطقه رامند در جنوب و جنوب غربی قزوین در دامنه کوه رامند رایج هستند. این منطقه بیشترین جمعیت تات‌زبان ایران را دارا است. گویش‌های منطقه رامند استان قزوین در شهرستان تاکستان و بوئین‌زهر را شامل گویش شهرهای تاکستان و اسفرورین و روستاهای قرقسین، خروزان و محمودآباد در شهرستان تاکستان، و شهرهای شال، دانشفهان، سگزآباد و روستاهای ابراهیم‌آباد، خوزین، خیارچ، قلعه‌گنجی، شادمان، مشکین‌تپه، خیرآباد و قلعه عبدالرب‌آباد در شهرستان بوئین‌زهر هستند. نگارنده در این مقاله، گویش رامندی را توصیف کرده و نمونه‌ای از واژه‌های آن را از مآخذ گوناگون به دست داده است.

کلیدواژه‌ها: تاتی، رامندی، تاکستان، بوئین‌زهر

درآمد

تاتی رامندی به گروهی از گویش‌های ایرانی گفته می‌شود که در منطقه رامند در جنوب و جنوب غربی قزوین در دامنه کوه رامند رایج هستند. این منطقه بیشترین جمعیت تات‌زبان ایران را دارا است. گویش‌های رامندی در تقسیم‌بندی‌های یارشاطر (1969a) و لُکوک (۱۳۸۳: ۴۹۰/۲) همراه با گویش اشتهاردی با عنوان گروه جنوبی ذکر شده‌اند و از لحاظ زبانی به گویش‌های تاتی خلخال نزدیک هستند. نزدیکی جغرافیایی گویش‌های منطقه رامند همسو با نزدیکی زبان شناختی آنها است به نحوی که این گویش‌ها به آسانی برای اهالی یکدیگر قابل‌درک هستند (Yarshater, 1969b: 22).

گویش‌های منطقه رامند استان قزوین در شهرستان تاکستان و بوئین‌زهرا رایج هستند و گویش شهرهای تاکستان و اسفرورین (نام محلی: اسورورین، اسبرین، اسپرین) و روستاهای قرقسین، خروزان و محمودآباد در شهرستان تاکستان، و شهرهای شال (نام محلی: چال)، دانشفهان (نام محلی: دانسبن، دُسنبن)، سگزآباد (نام محلی: سیژوه، سزجوه) و روستاهای ابراهیم‌آباد (نام محلی: برُموه)، خوزین، خیارج (نام محلی: خیاره)، قلعه‌گنجی، شادمان، مشکین‌تپه، خیرآباد و قلعه عبدالرب‌آباد در شهرستان بوئین‌زهرا شامل می‌شوند (رحمانی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۷). جمعیت مناطق تات‌زبان رامند بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ حدوداً ۱۳۰ هزار نفر بوده‌است. زبان محاوره رایج در این مناطق تا چند دهه پیش ترکی بوده‌است و در چند دهه اخیر مردم به زبان فارسی گرایش پیدا کرده‌اند، اما شهرها و روستاهای اصلی رامند، زبان ایرانی خود را حفظ کرده‌اند. اهالی برخی روستاها همچون شارین و لاوزگرد به هر دو زبان تاتی و ترکی تکلم می‌کنند. باوجود نزدیکی نسبی گویش‌های رامندی، تفاوت‌های زیادی در صرف، نحو و واژگان آنها دیده می‌شود. همچنین تفاوت‌هایی در سخنان گویشوران هر گویش وجود دارد. از یک‌سو وجود ویژگی‌های دستوری قابل‌توجه و حفظ بسیاری ویژگی‌های کهن در صرف، نحو و واژگان و از سوی دیگر، اهمیت موقعیت جغرافیایی این گویش‌ها در بازسازی سیر تحول زبان‌های ایرانی شمال غربی، بر اهمیت آنها می‌افزاید. در گفتار نسل مسن‌تر گویشوران، ویژگی‌های کهنی از هر گویش حفظ شده‌است که نسل جوان‌تر بسیاری از آنها را به کار نمی‌برند زیرا یا این ویژگی‌ها را فراموش کرده‌اند یا آنها را قدیمی

و از مدافتناده می‌دانند. به‌طورکلی، گرایش عمومی همه این گرایش‌ها در جهت ساده شدن و یک‌دست شدن صورت‌ها و از بین رفتن تمایز حالت و جنس است (Yarshater, 1969b: 24). باید توجه داشت که اهالی مناطق تات‌زبان عموماً سه‌زبانه هستند و زبان‌های فارسی و ترکی تأثیر زیادی بر جنبه‌های گوناگون تاتی گذاشته‌اند.

گویش‌های تاتی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های زبان‌های ایرانی شمال غربی را تشکیل می‌دهند. یارشاطر (۱۳۵۴) گویش‌های ایرانی باقی‌مانده در مناطق شمال غربی ایران را در زیرگروه‌هایی تقسیم‌بندی کرده‌است که یکی از آنها گروه گویش‌های جنوب و جنوب غربی قزوین است که خود شامل گویش‌های تاتی اطراف رامند است. لُکوک (۱۳۸۳: ۴۸۹/۲-۴۹۰) بر اساس پژوهش‌های یارشاطر و دیگر آثار موجود دربارهٔ گویش‌های ایرانی شمال غرب ایران، گروه گویش‌های آذری را که به‌گفتهٔ او در محل به تاتی موسوم هستند به پنج دسته تقسیم کرد که یکی از آنها گروه گویش‌های جنوبی راج در جنوب قزوین است. رضایی باغبیدی (۱۳۸۰: ۵) نیز زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو را بر پایهٔ قرابت‌های ساختاری و جغرافیایی به دو گروه اصلی غربی و شرقی تقسیم کرده و یک گروه از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو غربی را گویش‌های شمال غربی دانسته که خود شامل چهار زیرگروه است؛ یکی از این زیرگروه‌ها گویش‌های آذری هستند که گاه تاتی خوانده می‌شوند و شامل اشتهرادی، تاکستانی، چالی، خویی، رودباری، سگزابادی، هزاررودی و ... هستند.

یارشاطر (1969b: 22-23) گروه رامندی را به دو گروه شمالی و جنوبی تقسیم می‌کند. رامندی شمالی شامل تاکستانی، اسفرورینی و چالی، و رامندی جنوبی شامل خیارچی، خوزینی، ابراهیم‌آبادی، دانسفهای و سگزابادی است. مشخص‌ترین وجه تمایز این دو گروه، فعل *yar/yard* در رامندی شمالی در مقابل فعل *kar/kard* در رامندی جنوبی است. در میان گویش‌های رامندی شمالی، گویش چالی از همه محافظه‌کارتر است و ضمایر عاملی را نیز حفظ کرده‌است. در مقابل، تاکستانی از نظر صرفی و نحوی کمتر از بقیه محافظه‌کار بوده و ضعیف شدن ساخت کنایی در فعل متعدی گذشته و از بین رفتن پایانهٔ جمع مستقیم از نشانه‌های تغییرات بیشتر در آن است. یکی از ویژگی‌های مشترک رامندی جنوبی، وجود

نزدیکی زیاد در واژگان آنها است. ابراهیم‌آبادی بیشتر از دیگر گویش‌های این گروه ویژگی‌های ساخت کنایی را حفظ کرده‌است. تلفظ‌های سگزآبادی از دیگر گویش‌های گروه متمایز است.

پیشینه پژوهش

آل‌احمد (۱۳۳۷) به شرح زندگی روزمره و آداب‌ورسوم رایج در دو روستای ابراهیم‌آباد و سگزآباد پرداخته‌است. این دو روستا به فاصله چهار یا پنج کیلومتری یکدیگر در دامنه شمال شرقی کوه رامند در جنوب قزوین قرار گرفته‌اند. یک ترانه، قطعه‌ای به زبان محلی، چند افسانه، مثل‌ها و ناسزاها و نمونه‌ای از مکالمات روزمره در فصل هفتم این کتاب به صورت آوانگاری و همراه با ترجمه فارسی آورده شده‌است. فرهنگ مختصر تاتی این دو روستا همراه با معنای فارسی واژه‌ها، چند ویژگی آواشناختی و دستوری و صرف افعال در این دو گویش از مباحث فصل آخر این اثر هستند.

پس از سخنرانی هنینگ و جلب توجه پژوهشگران به گویش‌های ایرانی منطقه آذربایجان و قزوین، یارشاطر در ۱۹۵۵ از تاکستان دیدن کرد و دریافت که روستاهای تات‌زبان دیگری نیز در رامند وجود دارد. وی سفرهای متعددی به این منطقه داشت و اشعار محلی، داستان‌ها، بخش‌های توصیفی و مواد واژگانی و دستوری این گویش‌ها را گردآورد. یارشاطر (۱۹۶۲) برای نخستین بار به معرفی مقدماتی گویش‌های تاتی منطقه رامند و ویژگی‌های کلی این گویش‌ها پرداخت. وی از ناشناخته ماندن گویش‌های تاتی که یکی از مهم‌ترین گروه‌های زبان‌های ایرانی هستند اظهار تعجب کرده است و این در حالی است که پژوهش جدی درباره زبان‌های ایرانی بیش از صدسال قبل آغاز شده بود. یارشاطر (۱۹۶۹a) به مطالعه دستور توصیفی نه گویش مرتبط از گویش‌های زبان تاتی رایج در منطقه رامند و برخی مناطق اطراف آن پرداخت که همه در جنوب و جنوب شرقی قزوین واقع هستند. بیشتر این گویش‌ها برای نخستین بار ضبط و بررسی می‌شدند. یارشاطر داده‌های پژوهش خود را در چند سفر کوتاه به روستاهای تات‌زبان در سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۳ گردآوری کرده‌است. این اثر تنها اثر یارشاطر در مورد تاتی در قالب یک کتاب مشروح است و سایر آثار یارشاطر به صورت مقاله یا کتاب مختصر تألیف شده‌اند. گویش‌های مورد بررسی در این اثر شامل گویش‌های

اشتهاردی، چالی، خیارچی، ابراهیم‌آبادی، سگزآبادی، دانسفهانی، تاکستانی، خوزینی و اسفرورینی هستند که یارشاطر آنها را تاتی جنوبی نامیده‌است. وی در این کتاب پس از معرفی روستاهای تات‌زبان منطقه رامند، به بررسی واج‌شناختی و صرفی نه گویش مورد نظر پرداخته‌است. بررسی اسم، شامل شبار، جنس و حالت، حروف اضافه، صفت، انواع ضمیر، و جنبه‌های مختلف ساخت افعال در نه گویش تاتی منطقه رامند از جمله مباحث این کتاب هستند. یارشاطر مدخل‌هایی از *دائرةالمعارف ایرانیکا* را نیز به توصیف گویش‌های تاتی اختصاص داده‌است.

ایرج افشار در ۱۹۵۴ رساله‌ای درباره گویش رامندی یافت که در سال ۱۲۷۶ ق با عنوان «رساله لغات فرس قدیم» به دست شخصی از اهالی یکی از روستاهای رامند تألیف شده بود. این رساله که با نام «لغات اهل قزوین» وقف کتابخانه مدرسه سپهسالار شده، در بردارنده واژگان گویش‌های منطقه رامند در زمان تألیف رساله است. نویسنده رساله در صفحه نخست، این رساله را «لغت اهالی دهات قزوین» که «فرس قدیم» است و «بلوک رامند» نامیده می‌شود معرفی کرده‌است. گردآورنده این رساله، نخست مفردات را با معانی آنها نوشته و سپس اصطلاحات مربوط به پیشه‌ها را آورده‌است؛ وی در انتها کاربرد ضمیر و افعال را با معادل فارسی آنها ذکر کرده‌است. لغات گردآوری شده عمدتاً از گویش یک روستا هستند اما به لغات روستاهای دیگر منطقه نیز اشاره شده‌است. ستوده (۱۳۳۴) این رساله را تصحیح و به همراه معادل‌های چالی لغات و عبارات منتشر کرده‌است. به عقیده یارشاطر (1969b: 20) واژه‌های این رساله متعلق به گویش اهالی خیارج است، اما آل‌احمد (۱۳۴۳) این لغات را متعلق به گویش ابراهیم‌آباد می‌داند. در سال‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری درباره گویش‌های منطقه رامند انجام شده‌است. آقاعلیخانی (۱۳۸۳) به بررسی گویش تاتی بلوک زهرا به‌ویژه روستای خیارج (در زبان محلی: خیازه) پرداخته و دستور زبان پایه گویش خیارچی و گزیده‌ای از واژگان، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و اشعار این گویش را به همراه آداب و رسوم اهالی گردآورده‌است. راسخ‌نمند (۱۳۸۶) به بررسی مفعول‌نمایی افتراقی در گویش‌های تاتی جنوبی پرداخته و همو (۱۳۸۸) پی‌بست‌های ضمیری را در این گروه مورد بررسی قرار داده‌است. بھمن رحمانی (۱۳۹۰) به معرفی روستاها و شهرهای تات‌زبان استان قزوین و

توصیف دستور آنها پرداخته‌است. هادی درزی رامندی و مریم درزی رامندی (۱۳۹۱) چهارده داستان کوتاه تاتی دانسفهانی را گردآورده و به فارسی برگردانده‌اند. پورقاسم (۱۳۹۲) نیز به مطالعه ساختار گروه حرف‌اضافه‌ای گویش تاتی دانسفهان بر پایه برنامه کمینه‌گرا پرداخته‌است.

ویژگی‌های آوایی

به‌طورکلی همخوان‌های گویش‌های رامندی عبارت‌اند از: /p, b, t, d, tʃ, j, k, g, q, x, f, v, s, a, z, ʒ, (ʒ), h, (ʔ), m, n, l, r, (w), y/ واکه‌های رامندی نیز به‌طورکلی شامل هفت واکه، *a, â, i, u, o, ö, e* هستند و بسته به محیط ممکن است دارای واج‌گونه‌هایی باشند. همخوان *w* کاربرد محدودی دارد؛ مانند خیارچی: *dawij* «بیاف!»، خوزنینی: *ewa* «آب». *w* در بیشتر گویش‌های رامندی در تقابل با *v* نیست و احتمالاً واج‌گونه *v* است. در سگزآبادی، همخوان‌های *k* و *g* معمولاً به‌صورت *č* و *j* تلفظ می‌شوند؛ همچون *čâr* «کار» و *mejow* «باید». در صورتی که *h, ʔ* یا یک نیم‌واکه حذف شود، کشش جبرانی واکه رخ می‌دهد؛ مانند *mö:r* «مهر». در هجاهای بی‌تکیه، *e* معمولاً کوتاه شده یا حذف می‌شود؛ همچون خیارچی *b(e)šia* «او رفت». حذف *e* از پیشوند فعلی *be-* در برخی گویش‌ها خوشه آغازین به وجود می‌آورد که *b* در آن واکرفته می‌شود و با همخوان بی‌واک بعدی همگون می‌شود؛ همچون ابراهیم‌آبادی *bekat* «او (مذکر) افتاد» که به‌صورت *pkat* تلفظ می‌شود. شایان ذکر است که تکیه‌وازی در گویش‌های رامندی سبب تمایز می‌شود و تکیه در تمایز اسم‌ها، ضمایر و افعال نیز تأثیرگذار است (Yarshater, 1969b: 33-61).

ویژگی‌های صرفی

اسم‌ها در رامندی به دو گروه مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند. صرف اسم‌ها شامل نظامی متشکل از دو شمار مفرد و جمع و دو حالت مستقیم و غیرمستقیم است (ibid.: 65).

در این گویش ابزار خاصی برای تعریف اسم‌ها وجود ندارد؛ *i* «یک» به‌عنوان یک عدد و حرف تعریف نکره به کار می‌رود؛ مانند سگزآبادی *i miardá be i zania* «یک مرد بود و

یک زن». گاهی یک *i* نیز بعد از اسم نکره افزوده می‌شود که ظاهراً از یای وحدت در فارسی وام گرفته شده‌است؛ همچون سگزآبادی *i revj-i* «یک روز». اسم‌های مفرد تصریف‌نشده ممکن است در معنای عام یا جمع به کار روند و مفعول مستقیم مفرد معمولاً با استفاده از حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شود؛ مانند خیارچی *deraxt-e berbin* «درخت را بر!»». استفاده از حالت غیرمستقیم برای مفعول از مفعول‌نمای افتراقی پیروی می‌کند و بسته به بی‌جان و جاندار بودن یا انسان بودن و معرفه و نکره بودن، ممکن است مفعول با حالت مستقیم یا غیرمستقیم نشان داده شود (راسخ‌مهند، ۱۳۸۶)؛ همچون ابراهیم‌آبادی *gandem-e bebe ârd ka* «گندم را بر و آن را آرد کن» اما *Hasan-e gandem ârd ka* «گندم حسن را آرد کن» (Yarshater, 1969b: 65-67).

دو شمار مفرد و جمع در گویش‌های رامندی وجود دارد و این دو شمار معمولاً دارای دو حالت مستقیم و غیرمستقیم متمایز هستند. پایانه جمع غیرمستقیم در بیشتر گویش‌ها یکسان است اما پایانه جمع مستقیم از تنوع زیادی برخوردار است.

تمایز جنس در اسم‌ها، صفات، برخی ضمائر و برخی صورت‌های فعلی وجود دارد و قواعد و اصول آن به‌خوبی رعایت می‌شود. به‌طورکلی تمایز جنس مؤنث در گفتار نسل‌های مسن‌تر به‌صورت یکدست‌تری رعایت می‌شود. تکواژ جنس مفرد برای اسم‌های مذکر، صفر و برای اسم‌های مؤنث *a*- بدون تکیه است. در اسم‌های جمع، جنس نشان داده نمی‌شود. به‌طورکلی، گویش‌های رامندی معمولاً در جنس اسامی با یکدیگر همسو هستند (ibid.: 68).

حفظ حالت غیرفاعلی در اسم‌ها و ضمائر از دیگر ویژگی‌های مهم گویش‌های رامندی است. در گویش‌های رامندی بین دو حالت مستقیم و غیرمستقیم در شمار مفرد و جمع تمایز وجود دارد. در حالت مستقیم، اسم مفرد مذکر در تمام گویش‌های رامندی با صورت تصریف‌نشده و ساده اسم بیان می‌شود. اسم مفرد مؤنث معمولاً مختوم به *a*- بدون تکیه است. حالت غیرمستقیم اسم مفرد مذکر در تمام گویش‌های این گروه با افزوده شدن *e*- بدون تکیه ساخته می‌شود اما اسم‌های مؤنث در حالت غیرمستقیم نیز دارای همان پایانه حالت مستقیم هستند. تمایز جنس در اسم‌های جمع وجود ندارد اما حالت مستقیم و غیرمستقیم در تمام

گوش‌های رامندی برای اسم‌های جمع از یکدیگر متمایزند. تنها در تآکستانی و دانسفهانی، پایانه جمع غیرمستقیم در حالت مستقیم نیز به کار می‌رود (ibid.: 73-75). حالت مستقیم برای نشان‌دادن فاعل، حالت ندایی، عامل در زمان گذشته فعل متعدی در بیشتر گوش‌ها، برخی مفعول‌ها همچون مفعول مستقیم نکره و مفعول حروف اضافه پسین به کار می‌رود. حالت غیرمستقیم برای نشان‌دادن حالت اضافی، عامل در زمان گذشته فعل متعدی در برخی گوش‌ها، برخی مفعول‌ها همچون مفعول مستقیم معرفه، و مفعول برخی حروف اضافه پسین به کار می‌رود (ibid.: 96-116).

یک حالت غیرمستقیم مختوم به $r(a)$ - در بیشتر گوش‌های رامندی حفظ شده و برای اسم‌های اشاره به روابط خانوادگی همچون مادر، پدر، خواهر، برادر، داماد و غیره به کار می‌رود. کاربرد این حالت غیرمستقیم در برخی گوش‌ها گسترش یافته و در برخی موارد برای حالت غیرمستقیم مفرد اسم‌های اشاره به انسان، مانند کشاورز نیز به کار می‌رود (ibid.: 73).

ساخت اضافه فارسی به‌عنوان ساختی بومی در این گوش‌ها وجود ندارد و در عوض از ساخت اضافی پیشین استفاده می‌شود. مضاف‌الیه در رامندی پیش از مضاف قرار می‌گیرد و معمولاً در حالت غیرمستقیم است. برای مثال: خیارچی *ândi mahala* «خانه او»، *bare šišë* «شیشه در»، *yavine nun* «نان جو»، ابراهیم‌آبادی *qoc-e šâx bege* «شاخ قوچ را بگیر» (ibid.: 102-103). پسوند صفت برتر فارسی «-تر» در گوش‌های رامندی برای مقایسه و به‌عنوان صفت برترین به کار می‌رود. صفت پیش از اسم می‌آید و a - بدون تکیه پس از آن قرار می‌گیرد. برای مثال: ابراهیم‌آبادی *jeqela berâ* «برادر کوچک‌تر»، سگزآبادی *gujela berâ* «برادر کوچک‌تر». صفت‌های اسنادی نشانگر تمایز جنس نیستند، اما صفت‌های گزاره‌ای در برخی گوش‌ها تمایز جنس را نشان می‌دهند؛ برای مثال: سگزآبادی *â xâr bö* «او (مذکر) مریض بود»، *âya xâra va* «او (مؤنث) مریض بود» (ibid.: 140-141).

یکی از ویژگی‌های متمایز گوش‌های رامندی، استفاده از حروف اضافه پسین همراه با مفعول غیرمستقیم است. حروف اضافه پیشین در این گوش‌ها نادر هستند و عموماً از زبان‌های دیگر وام گرفته شده‌اند و عمدتاً در گفتار رسمی یا در اشعار، تحت‌تأثیر شعر فارسی به کار می‌روند. یارشاطر (1969c) به بررسی حروف اضافه در گوش‌های تاتی جنوب و

جنوب غربی قزوین پرداخته‌است. تمام حروف اضافهٔ پسین بدون تکیه هستند و می‌توانند پس از اسم یا ضمیر به کار روند. عموماً مفعول حرف اضافهٔ پسین با حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شود. پورقاسم (۱۳۹۲) با بررسی مصاحبه‌های ضبط‌شدهٔ گویشوران نشان داده که تعامل با فارسی معیار و بالا رفتن سطح تحصیلات تات‌زبانان سبب روند افزایش تعداد حروف اضافهٔ پیشین شده‌است.

گویش‌های رامندی در برخی موارد رفتار متفاوتی برای جاندار و بی‌جان قائل هستند. برای مثال، در گویش خیارچی برای مفهوم «در، از» از حرف اضافهٔ پسین *ku* برای جانداران و از *u* برای بی‌جان‌ها استفاده می‌شود. در ابراهیم‌آبادی از ضمایر اشارهٔ متفاوتی برای اشخاص و اشیاء استفاده می‌شود: *jima, jime* «این» (به ترتیب برای مذکر و مؤنث) و *jia, ji* «آن» (به ترتیب برای مذکر و مؤنث) برای اشخاص، اما *mana* «این»، *āna* «آن» (بدون تمایز جنس) برای اشیاء. در سگزآبادی، تمایز جنس در ضمایر اشاره تنها برای جانداران رعایت می‌شود. مفعول دارای حالت مفعولی یا برای در صورتی که با کلمهٔ قبلش تعریف نشده باشد، تنها در صورت جاندار بودن با حالت غیرمستقیم نشان داده می‌شود (Yarshater, 1969b: 21).

ضمایر رامندی به دو گروه ضمایر مستقل و ضمایر پی‌بستی تقسیم می‌شوند. ضمایر مستقل شامل صورت مستقیم و غیرمستقیم است. ضمایر مستقل معمولاً تمایز جنس را در سوم شخص مفرد نشان می‌دهند. حالت مستقیم ضمایر شخصی برای فاعل و عامل به کار می‌روند. برای مثال: ابراهیم‌آبادی *amâ nâxešiēm* «ما مریض هستیم»، اسفرورینی *az menome* «من نمی‌آیم»، خیارچی *â farfa=š derutay* «او (مذکر) برف را رفته است». ضمایر شخصی غیرمستقیم علاوه بر نقش اضافی، مفعول مستقیم و غیرمستقیم، و مفعول حرف اضافهٔ پسین، به‌عنوان ضمایر و صفات ملکی نیز به کار می‌روند. همچون خیارچی *čemen šavi baw* «پیراهن من را بیاور»، «اموال او (مذکر) را بگیر»، خوزینی *ešta pul unemidiem* «پول تو را پس ندهم»، سگزآبادی *jie vâtan* «به او (مذکر) بگو»، خیارچی *ešta ku âmparsem* «از تو می‌پرسم». ضمایر پی‌بستی به‌عنوان مفعول، ضمیر ملکی و اشاره به عامل در بندهای متعدی گذشته به کار می‌روند؛ مانند سگزآبادی *bediam=eš* «من او را دیدم»، خیارچی *čarvâ=š berut=eš* «او گوسفندانش را

فروخت»، «خیارچی *deraxt=i bâši* «تو درخت را انداختی». در رامنندی، دو ضمیر اشاره دور و نزدیک وجود دارد و دو صورت مستقیم و غیرمستقیم برای هر یک از آنها به کار می‌رود. در برخی گویش‌ها جنس در ضمیر اشاره مستقیم و غیرمستقیم نیز متمایز است. برای نمونه، ضمیر اشاره به دور خیارچی: *â* «آن» (مذکر و مؤنث مفرد مستقیم)، *âhâ* «آنها» (جمع مستقیم)، *ândi* «آن» (مذکر مفرد غیرمستقیم)، *ândi-a* «آن» (مؤنث مفرد غیرمستقیم)، *ândi-un* «آنها» (جمع غیرمستقیم) (ibid.: 147-179).

نظام فعلی گویش‌های رامنندی بر اساس دو ریشه حال و گذشته است و چهار وجه امری، اخباری، التزامی، و دعایی در این نظام فعلی وجود دارد. فعل بر اساس دو شمار مفرد و جمع و سه شخص ساخته می‌شود. زمان‌های دستوری مختلف با پیشوندهای فعلی و ریشه و پایانه مناسب ساخته می‌شوند. زمان آینده در تاقی ساخت ویژه‌ای ندارد و برای بیان آینده از مضارع اخباری استفاده می‌شود. فعل‌های رامنندی معمولاً جنس فاعل را در سوم شخص مفرد و به‌ندرت در اول شخص و دوم شخص مفرد نشان می‌دهند. وجه اخباری دارای پنج زمان حال، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی و ماضی بعید است. وجه التزامی نیز دارای دو زمان حال و کامل است. وجه دعایی تنها دارای یک زمان است که به آینده اشاره می‌کند. نحوه ساخت و نحو زمان‌های گذشته در رامنندی بین فعل‌های لازم و متعدی متفاوت است. فعل‌های لازم و متعدی در زمان‌هایی که با ریشه حال ساخته می‌شوند به صورت مشابهی صرف می‌شوند. این زمان‌ها شامل امری، دعایی، حال اخباری و التزامی است. زمان‌هایی که با ریشه گذشته ساخته می‌شوند برای افعال لازم شامل ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی و نقلی التزامی، و ماضی بعید است. ساخت فعل متعدی در زمان گذشته از الگوی متفاوتی پیروی می‌کند؛ به این صورت که این فعل‌ها تنها دارای یک صورت پایه برای هر زمان هستند که معمولاً مانند سوم شخص مفرد فعل لازم در آن زمان دستوری ساخته می‌شود. این ساخت در ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی و نقلی التزامی، و ماضی بعید وجود دارد (ibid.: 180-269).

ویژگی‌های نحوی

در بیشتر گویش‌های رامندی در زمان گذشته فعل متعدی از نوعی ساخت کنایی ضعیف استفاده می‌شود، اما این ساخت در حال از بین رفتن است. سست‌ترین صورت ساخت کنایی در تاکستانی، خیارچی، سگزآبادی، دانسفهانی، اسفرورینی و خوزینی دیده می‌شود. در این گویش‌ها عامل با حالت مستقیم نشان داده می‌شود و مفعول مستقیم همچون ساخت حال تلقی می‌شود. چالی و ابراهیم‌آبادی در وضعیتی میانه قرار دارند. در خیارچی و ابراهیم‌آبادی عامل به‌ندرت در گفتار نسل کهن‌سال با حالت غیرفاعلی نشان داده می‌شود (ibid.: 74, 236). معمولاً ضمیر پی‌بستی اشاره به عامل در جمله‌های متعدی گذشته در گویش‌های رامندی به کار می‌رود. این ضمیر می‌تواند به‌صورت پسوند به انتهای یک اسم، صفت، قید، ضمیر، حرف ربط یا فعل متصل شود (راسخ‌محمد، ۱۳۸۸).

نمونه‌ای از واژه‌های گویش‌های رامندی

خیارچی: *pâjâr* «کفش»؛ *karga* «مرغ»؛ *aspa* «سگ»؛ *kifčiya* «کوچه»؛ *šavi* «پیراهن»؛ *sorri* «گله»؛ *pilla* «بزرگ»؛ *bujil* «کوچک»؛ *espi* «سفید»؛ *ahrâ* «فردا»؛ *sahrâ* «پس‌فردا»؛ *ârû* «امروز»؛ *juvar* «بالا»؛ *jir* «زیر»؛ *vâhâr* «تخار»؛ *âl* «قرمز»؛ *kava* «آبی‌کود»؛ *sauz* «سبز»؛ *ruvazâ* «نوه»؛ *čul* «صحرا»؛ *keuza* «جوی آب»؛ *ziya* «لشه»؛ *jilliya* «جوجه»؛ *čalâga* «گنجشک»؛ *muma* «نخال» (آقاعلی‌خانی، ۱۳۸۳).

سگزآبادی: *owa* «آب»؛ *areškenjia* «آرنج»؛ *songor* «آسیابان»؛ *xasta* «استخوان»؛ *čia* «اتاق»؛ *ašun* «امشب»؛ *vâ* «باد»؛ *vetan* «باقتن»؛ *pis* «بد»؛ *yun* «بن»؛ *farfa* «برف»؛ *valja* «برگ»؛ *senča* «بشقاب»؛ *fel* «پول»؛ *dâra* «درخت»؛ *bud* «ران»؛ *maraçina* «گره»؛ *yuz* «گردو»؛ *ambori* «گلانی»؛ *veškenj* «گنجشک»؛ *tusbâgia* «لاک‌پشت»؛ *taša* «نخال».

ابراهیم‌آبادی: *angala* «آستین»؛ *beymian* «آمدن»؛ *kela* «اجاق»؛ *arsa* «اشک»؛ *veyma* «بادام»؛ *zârû* «پچه، کودک»؛ *berâ* «برادر»؛ *heyvar* «برادرشوهر»؛ *makka* «بلال، ذرت»؛ *xâr* «خوب»؛ *naktar* «تخت»؛ *bara* «بیل»؛ *muja* «کفش»؛ *xoya*

«پارو»؛ *luka* «پنبه»؛ *dim* «صورت»؛ *fesida* «خواهرشوهر»؛ *bar* «در»؛ *gingâla* «سوسک»؛ *niâsa* «مگس» (آل احمد، ۱۳۳۷: ۱۳۴-۱۶۵).

کتابنامه

آقاعلیخان، علی محمد (۱۳۸۳)، جستاری در زبان و ادبیات تاتی، تهران: رامند.

آل احمد، جلال (۱۳۳۷)، تات‌نشین‌های بلوک زهرا، تهران: سپهر.

_____ (۱۳۴۳)، «اشاره‌ای بسیار دیرآمده بر لهجه رامند»، فرهنگ ایران‌زمین، ش ۱۲: ۳۲۳-۳۲۹.

پورقاسم، علی اکبر (۱۳۹۲)، «بررسی گروه حرف‌اضافه‌ای گویش تاتی دانسفهان بر پایه برنامه کمینه‌گرا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، استاد راهنما: دکتر مرجان طاهری اسکویی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان.

پورمحمدی املشی، نصرالله (۱۳۸۳ الف)، «بررسی تاریخی معنا و کاربرد واژه تات»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، (۲۷-۳۰ خرداد ۱۳۸۱)، زبان و زبان‌شناسی، ج ۱: ۱۶۱-۱۷۵.

_____ (۱۳۸۳ ب)، «مناطق تات‌نشین جنوب قزوین به گزارش سفرنامه‌ها»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، هممن و اسفند، ش ۸۸-۸۹: ۶۸-۷۳.

درزی رامندی، هادی / درزی رامندی، مریم (۱۳۹۱)، گلگشت تات (چهارده داستان کوتاه تاتی به زبان فارسی)، قزوین: اندیشه زرین.

راسخ‌محمد، محمد (۱۳۸۶)، «مفعول‌نمایی افتراقی در برخی زبان‌های ایرانی»، گویش‌شناسی، دوره ۴، ش ۱ و ۲: ۲-۳۲.

_____ (۱۳۸۸)، «نگاهی رده‌شناختی به پی‌بست‌های ضمیری در زبان تاتی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، س ۱، ش ۱: ۱-۱۰.

رحمانی، رضا (۱۳۹۰)، فرهنگ تاتی تاکستان (تاکستان، تات، تاتی)، تاکستان: سال.

رحمانی، محمن (۱۳۹۰)، تاریخ و فرهنگ تات در استان قزوین، تاکستان: سال.

رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۰)، معرّفی زبان‌ها و گویش‌های ایران، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

ستوده، منوچهر (۱۳۳۴). «رساله لغات فرس قدیم اهالی رامند»، فرهنگ ایران زمین، شمه ۳: ۲۲-۷۷.

لکوک، پیر (۱۳۸۳)، «گویش‌های حاشیه دریای خزر و گویش‌های شمال غرب ایران»، صص ۴۸۹-۵۱۵، راهنمای زبان‌های ایرانی (ج ۲)، ویراستار: رودیگر اشمیت، ترجمه حسن رضایی باغبیدی و همکاران، تهران: ققنوس.

یارشاطر، احسان (۱۳۵۴). «آذری»، صص ۶۱-۶۹، دانشنامه ایران و اسلام، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Yarshater, E. (1962), "The Tāti Dialects of Rāmand," pp. 240-245, *A Locust's Leg. Studies in Honour of S. H. Taqizadeh*, W. B. Henning and E. Yarshater (eds.), London.

----- (1969a), "Distinctions of Feminine Gender in Southern Tati," pp. 281-301, *Studia Classica et Orientalia Antonio Pagliaro Oblata III*, Rome.

----- (1969b), *A Grammar of Southern Tati Dialects*, The Hague/Paris.

----- (1969c), "The Use of Postpositions in Southern Tati", pp. 221- 255, *V. Minorsky Memorial Volume*, Tehran.

Description of *Tāti Rāmandi* Dialect

Raheleh Izadifar

Bu-Ali Sina University, Hamadan

Abstract

Tāti-ye Rāmandi refers to a group of Iranian dialects that are common in the *Rāmand* region in the south and southwest of *Qazvin* at the foot

of *Mount Rāmand*. This region has the largest *Tati*-speaking population in Iran. Dialects of *Ramand* region of *Qazvin* province are common in *Tâkestân* and *Buin-Zahrâ* counties. They include the dialects of the cities of *Takestan* and *Esfarvarin* and the villages of *Qarqasin*, *Xoruzân* and *Mahmudâbad* in *Tâkestân* county, and also the cities of *Šâl*, *Dânsefahân*, *Sagzâbâd* and the villages of *Ebrâhimâbâd*, *Xuznin*, *Xiâraĵ*, *Qal'e-Ganĵi*, *Šâdmahân*, *Meškin-Tappeh*, *Xeyrâbâd* and *Qal'e-'Abdol-Rabâbâd* in *Buin-Zahrâ* county.

Keywords: *Tâti*, *Râmandi*, *Tâkestân*, *Buin-Zahrâ*